

۹ اثر تولیدی صداوسیما ی مراکز در ABU

۹ اثر از تولیدات رادیویی و تلویزیونی صداوسیمای مراکز در جمع ۱۶ نماینده ایران در جشنواره اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه ABU قرار دارند. به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان های سازمان صداوسیما، از بین آثار ارسالی از معاونت های برنامه ساز، با تمرکز بر تولیدات استان ها ۱۶ اثر فخر به دبیرخانه این



گزارشی از سیر تبدیل شدن مجریان برنامه کودک به خاله ها و عموهای تلویزیونی و بررسی انتقادهایی که به آن وارد می شود

عموها و خاله ها باز نشسته می شوند

زمانی مجریان برنامه های کودک تلویزیون نامشان رویشان بود و خیلی ساده آقا یا خانم مجری خوانده می شدند. مدتی بعد، یکی دو عمو و خاله هم به این جمع اضافه شدند. عمو قناد، عموپورنگ، خاله بهار، خاله شادونه و... اما تعدادشان روز به روز بیشتر شد و هرکس دست به برنامه سازی برای کودکان زد، بی هیچ اندیشه ای و از همان ابتدا، یک مجری با عنوان خاله یا عمو رادر مرکز برنامه قرار داد. این مدل از اجرا ام ک کم تا رگی خود را از دست داد و انتقادهایی را برانگیخت. کسانی از آسیب نهفته در این عناوین برای کودکان گفتند. به باور این دسته با افزایش تعداد عموها و خاله های تلویزیونی و خو گرفتن بچه ها با این عناوین، در ذهن آنان جای می افتد که هر مرد و زن و غریبه ای را خاله و عمو ی خود بدانند، اعتمادشان به این افراد جلب شود و این مساله می تواند سبب بروز ضربه ها و آسیب هایی برای آنان شود.

در اینجا به این موضوع پرداخته ایم و در بخش هایی از آن مروری داشته ایم بر این که چنین عناوینی از چه زمانی و با چه هدفی مورد استفاده قرار گرفتند و تاکی در اوج ماندند؟ همچنین نگاهی به دیدگاه مخالفان این عنوان ها و پیشنهادهای آنان داریم. در این زمینه با چند چهره سرشناس حوزه برنامه سازی کودک و یک روان شناس هم گپ زدیم.

وقتی خانم و آقای مجری، خاله و عمو شدند

با مرور برنامه های کودک قدیمی و مقایسه اجرای آنها با برنامه های امروزی می توان وجه تمایزهایی دید که یکی از آنها همین نامیدن مجری با اسم خاله یا عمو است که چند سال است باب شده و در دهه ۶۰ و ۷۰ خبری از آن نبود یا به یکی دو نفر محدود می شد و گویی اسم خاص به شمار می آمد. در اینجا به سیر تغییر آن پرداخته ایم.

اگر نگاهی به برنامه های کودک تلویزیون پیش از انقلاب و سال های ابتدایی آن بیندازیم، خبری از خاله ها و عموها نیست. بیشتر مجرانی را به یاد می آوریم که در قامت یک بزرگسال همه چیزدان بچه ها را راهنمایی می کردند و مستقیم با در دل قصه ای کودکانه به آنها نصیحت می کردند. مثال بارزش گفتن جمله «برو عقب تر... عقب تر» بود که به بچه ها هشدار می داد برای حفاظت از چشمان شان مقابل نور صفحه تلویزیون های دارای لامپ تصویر در فاصله ای دورتر به تماشای برنامه بپردازند. این جمله چنان در ذهن آن نسل باقی مانده است که هنوز و با وجود تغییر در سیستم تلویزیون های جدید، همین گوشزد را برای فرزندانشان دارند.

یکی از مشخصه های مجری های آن دهه پوشش های بزرگسالانه و بارنگ های نه چندان شاد است که البته برآمده از فرهنگ و نوع نگاه به پوشش در جامعه و آن سال های تلویزیون بود. این سال ها رنگ پوشش مجری های برنامه کودک که غالبا عمو و خاله نامیده می شوند و سبک ارتباطی



متفاوتی با مخاطبان خود دارند هم به فضای ذهنی کودکان نزدیک تر شده است. این تغییر برای جذب بیشتر کودکان امروز که در دنیایی از رنگ و نور سیار رسانه ها احاطه شدند، مبارک و لازم به نظر می رسد. البته در آن زمان با وجود همین محدودیت ها، باز هم برنامه های کودک مخاطبان زیادی داشت و تصویر مجریان آن هنوز در ذهن بسیاری از دهه شصت و هفتادی ها مانده است.

یکی دیگر از وجوه تمایزی که میان اجرای این نسل از مجریان کودک با نسل پس از آنها وجود دارد نوع رابطه شان با شخصیت های نمایشی بود که گاهی در شمایل عروسک یا بازیگر کنارشان حضور داشتند. این رابطه معمولاً توام با احترام بود؛ برای مثال شخصیتی وجود داشت که با

اولین عمو ی تلویزیونی

شاید بتوان مجید قناد را اولین نفری دانست که در جایگاه مجری برنامه کودک تلویزیون پس از انقلاب نامش با عنوان عمو پیوند خورد و شد عمو قناد بچه ها. او از دهه ۶۰ محبوبیتش نزد کودکان اوج گرفت و تا امروز مشغول برنامه سازی و اجراست. آن زمان کمتر کسی یا شاید هیچ کس دیگری در این قاب با عنوان عمو ی بچه ها شناخته نمی شد و بعد از قناد بود که این سبک نامیدن بیشتر باب شد. البته این نام خاص برای قناد و به دلیل شیرینی نام خانوادگی اش و ظاهر بزرگسالانه او، بد به نظر نمی رسید. کار از جای دیچار ایراد شد که این عنوان به کثرت از سوی سایرین استفاده شد و دیگری ک لقب خاص نبود. به این ترتیب شاید بتوان دهه ۶۰ آغاز نامیدن مجریان مرد برنامه کودک با عنوان عمو دانست. عنوانی که بعد از دهه ۸۰ اوج گرفت و با این اوجگیری خاله ها هم به این جمع اضافه شدند. از وجهی دیگر هم می توان مجید قناد را جزو اولین ها دانست. او و قلقلی با نقش آفرینی شهرام لاسمی که همچون فردی بدون قدرت تکلم و بی صدا بازی می کرد یک زوج هنری را تشکیل دادند که تا سال ها این همراهی خروجی موفقى داشت. بعد از آن چندین زوج هنری در برنامه های کودک معرفی شدند که از جمله آنها پورنگ و امیرمحمد، خاله رویا و عمو مهربان، پنگول و نیما و ... بودند.

خاله ها آمدند

اواخر دهه ۷۰ را می توان زمان باز شدن پای خاله ها به برنامه های کودک دانست. اتفاقی که در دهه ۸۰ به اوج خود رسید. هرچند نمی توان برای هیچ کدام از این موارد زمان دقیقی تعیین کرد، چون در شبکه های استانی و رادیویی تعداد افرادی که با این عناوین خطاب می شوند زیاد است و به همین دلیل در اینجا بیشتر نگاه مان به برنامه های پر مخاطب و مجریان شناخته شده سیماست. خاله نرگس (آزاده آل ایوب)، خاله نگار (نگار استخر)، خاله سارا (سارا روستاپور)، خاله شادونه (ملیکا زارعی)، خاله قاصدک (مریم وطن پور)، خاله بنفشه (تبسم هاشمی) و... در جمله شخصیت هایی بودند که در این سال ها میان مخاطب برنامه های کودک شناخته شدند و از میانشان خاله نرگس و خاله شادونه بیش از همه با استفاده از همین عناوین به کار خود ادامه دادند. اوچگیری آنان از دهه ۸۰ آغاز شد و با طی کردن دهه ۹۰ تا امروز به کار خود ادامه می دهند اما برخی معتقدند این سبک اجرا و بهره بردن از این اسامی دیگر به تنهایی کارساز نیست و باید طرحی نو در انداخت.



در بخش چشم انداز امسال با موضوع «امید وزندگی»، برنامه ای از مرکز ایلام، در بخش گزارش خبری گزارشی از مرکز خوزستان، در بخش مستندنمایشی برنامه ای از مرکز گلستان، در بخش نمایش کوتاه برنامه ای از مرکز قزوین و در بخش نمایش بلند، نمایشی از مرکز گیلان برای ارسال به ABU برگزیده شدند.

جشنواره ارسال شده است. از تولیدات مراکز استان های صداوسیما در بخش ورزشی مستند «من شاهو» از مهاباد، گزارشی از مرکز فارس و در بخش سرگرمی مسابقه «آشپزی» خوش خورانه» مرکز یزد در جشنواره اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه شرکت دارند. در بخش مستند رادیویی برنامه ای از مرکز مازندران



آزاده آل ایوب با عنوان خاله نرگس جزو اولین کسانی بود که با اسم خاله یا اجرای برنامه کودک پرداخت

پورنگ، عمو نبود

داریوش فرضیایی که این روزها بیش از نام اصلی اش با اسم پورنگ شهره است. در دهه با نام پورنگ شناخته شد. اوایل دهه ۸۰ آغاز راهی بود که پورنگ را بیش از همه برنامه های کودک موزیکال به مخاطبانش معرفی شد و کم کم نام عمو ی انتخاب آن چندان دخیل نبوده است، موافق زیاد شدن عموها و خاله مردم برایش انتخاب کرده اند. البته برنامه های زیادی مثل کلبه عمو پورنگ نشان می دهد این عنوان در نام برنامه های او هم آمد برای نامیدن فرضیایی نیست. با ورود پورنگ به این عرصه می توان عمو ی تلویزیون بعد از قناد دانست که البته سن، پوشش، س قناد متمایز می کرد. اوج گرفتن محبوبیت پورنگ در این حوزه جلب کرد و اوچگیری و افزایش حضور چهره هایی با یدک کشیدن



دایی یکی یکدانه

برنامه رنگین کمان شبکه پنج سیما در طول سال ها روی آنتن بودنش خاله های زیادی را به بچه ها معرفی کرد. سارا روستاپور (خاله سارا)، بنماران (خاله زیبا) و آزاده آل ایوب (خاله نرگس) از جمله این افراد بودند که میان بچه ها محبوبیت یافتند. البته برای مدتی دست اندرکار این برنامه یک شخصیت با اسم دایی چپول را هم به بخش های نمایشی برنامه اضافه کردند که جزو معدود زمان هایی بود که به جای عنوان عمو از دایی استفاده می شد. البته دایی رنگین کمانی ها تفاوت زیادی با عموها داشت؛ از حرف زدنش بگیر تا کارهایی که انجام می داد چندان الگوی مناسبی برای بچه ها نبود و جزو شخصیت های نمایشی به حساب می آمد که گاهی نیاز به تذکر دارد پس همچنان مجری برنامه، با عنوان خاله در هدایت کودکان نقش آفرینی می کرد.

عمو یا خاله بودن؛ آری یا خیر؟

تا همین چند وقت پیش به کار بردن عنوان خاله و عمو برای مجریان کودک شیرین به نظر می رسید، اما مدتی است عده ای براساس گزاره های روان شناسی و هزار اما و اگر دیگر به این باور رسیدند که چنین اسامی ای را نباید برای هرکس انتخاب کرد. یک کودک این را که خاله ها و عموهای تلویزیونی خیرخواه بچه ها هستند یا ارتباطش با واسطه تصویر است، نمی تواند به درستی تشخیص و از اتفاقات بیرون این قاب تمییز دهد. او همان طور که به خاله شادونه و عمو قناد برای پذیرش حرفشان اعتماد می کند، ممکن است به فروشنده محل باراننده تاکسی هم که از طرف بزرگسالان، بدون هیچ شناختی عمو و خاله معرفی می شود تهم طمینان یابد.

البته همان طور که پیداست ریشه این نوع نامیدن ها ابتدا متوجه رفتار کلیشه ای والدین در مواجهه کودکان شان با آدم های غریبه کوچه و خیابان است که در خاطره کودکی های بسیاری از ما مانده. بسیاری از پدر و مادرها، به ویژه در نسل قبل خودشان به کودکان آموزش می دادند که نام عمو و خاله را به غریبه ها اتلاق کنند. عنوانی که برای بسیاری از ما یادآور فردی مهربان، با تجربه، دارای رفتارهایی مشابه پدر و مادر و جایگزین مناسب آنهاست. این به رسانه ها هم سرایت کرد و آنها هم از این ترفند برای ایجاد صمیمیت و به وجود آوردن حس اعتماد میان کودکان و مجریان تلویزیون بهره گرفتند. البته به گفته دست اندرکاران برخی برنامه ها گاهی این خود مخاطبان بودند که چنین عنوان هایی را به مرور برای مجریان انتخاب کردند و کم کم میان همه جا افتاد.

با همه این تفصیلات حالا که نگاه ها تغییر کرده و از آسیب های اعتماد بی جا به غریبه ها

گفته می شود، این موضوع را نباید تنها از رد به آموزش و تغییر آن پرداخت. هرچند که آن در برنامه های کودک و از زبان خود مجری